

بررسی جلوه‌های نگاه انسانی به جنگ و مقاومت در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه بر مبنای مکتب فرانکفورت و دیدگاه اریک فروم

موسی قلیزاده، فرشته ناصری*، راضیه زواریان

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۵، صص ۲۶۰-۲۴۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.7985>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ادبیات جنگ و مقاومت در سده اخیر به‌مثابه بخشی از حافظه جمعی ملت‌ها، در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و تاریخی آنان نقشی محوری ایفا کرده است. اما پرسش اصلی این است که آیا این ادبیات صرفاً بازتابی از رخدادهای نظامی و سیاسی است یا می‌تواند ظرفی برای بازاندیشی در مفاهیم بنیادین انسانی چون آزادی، عشق، امید و مرگ باشد.

روش‌ها: پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه اثر احمد دهقان، می‌پردازد.

یافته‌ها: نویسنده از تجربه زیسته خویش بهره برده است دهقان به‌عنوان رزمنده نوجوان جنگ ایران و عراق به این اثر اصالت و عینیتی ویژه بخشیده است که از سطح روایت‌های شعاری و ایدئولوژیک فراتر می‌رود و مقاومت را به‌عنوان تجربه‌ای انسانی و ملموس بازنمایی می‌کند. چارچوب نظری این تحقیق بر دو بنیان استوار است: نخست، نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت که بر نقد سلطه، ایدئولوژی و فرهنگ توده‌ای تأکید دارد؛ و دوم، دیدگاه‌های اریک فروم درباره روانشناسی اجتماعی، نیازهای بنیادین انسان و تیپ‌های شخصیتی.

نتیجه‌گیری: در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» انسان‌سازی مقاومت و برجسته‌سازی چهره مبارز نه به‌عنوان موجودی ایدئولوژیک و فرائسانی، بلکه به‌عنوان انسانی عاشق، امیدوار و رنج‌کشیده، مورد توجه نویسنده قرار دارد. در این رمان، روایت نوجوانان از جنگ به‌گونه‌ای است که مرگ، زندگی روزمره، خانواده و آرزوهای کوچک انسانی در کنار تجربه جبهه قرار می‌گیرد و نیز اسارت، شکنجه و فشارهای روانی با عشق، ایمان و امید درهم می‌آمیزد و مقاومت را به سطحی فراتر از نبرد نظامی ارتقاء می‌دهد.

تاریخ دریافت: ۱۷ تیر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۹ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۰۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۸ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

ادبیات مقاومت، دهقان، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، مکتب فرانکفورت، اریک فروم.

* نویسنده مسئول:

Naseri1033@ausr.ac.ir

۵۵۲۲۹۲۰۰ (+۹۸ ۲۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the manifestations of the human perspective on war and resistance in the novel Journey to the Orient 270 Degrees based on the Frankfurt School and Eric Fromm perspective

M. Gholizadeh, F. Naseri*, R. Zavarian

Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 July 2025
Reviewed: 10 August 2025
Revised: 27 August 2025
Accepted: 10 October 2025

KEYWORDS

Resistance literature, peasant,
Journey to the 270 Degrees,
Frankfurt School, Erich Fromm

*Corresponding Author

✉ Naseri1033@ausr.ac.ir

☎ (+98 21) 55229200

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: War and resistance literature in the last century, as part of the collective memory of nations, has played a pivotal role in shaping their cultural and historical identity. However, the main question is whether this literature is merely a reflection of military and political events or can it be a container for rethinking fundamental human concepts such as freedom, love, hope, and death.

METHODOLOGY: The present study uses a descriptive-analytical method to examine the novel Journey to the Orient 270 Degrees by Ahmad Dehghan.

FINDINGS: The author has benefited from his own lived experience. As a teenage fighter in the Iran-Iraq War, Dehghan has given this work a special authenticity and objectivity that goes beyond the level of slogan and ideological narratives and represents resistance as a human and tangible experience. The theoretical framework of this research is based on two foundations: first, the critical theory of the Frankfurt School, which emphasizes the critique of domination, ideology, and mass culture; and second, Erich Fromm's views on social psychology, basic human needs, and personality types.

CONCLUSION: In the novel "Journey to the 270 Degrees," the author focuses on the humanization of resistance and the highlighting of the fighter's figure not as an ideological and transhuman being, but as a loving, hopeful, and suffering human being. In this novel, the teenagers' narrative of war is such that death, daily life, family, and small human desires are placed alongside the experience of the front, and it also mixes captivity, torture, and psychological pressures with love, faith, and hope, elevating resistance to a level beyond military battle.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.7985>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 0	 0

مقدمه

در میان گونه‌های مختلف ادبی، ادبیات جنگ و مقاومت جایگاهی خاص دارد، زیرا از دل واقعیتهای زیسته برمیخیزد و با حیات جمعی ملتها پیوندی مستقیم برقرار میکند. «جنگ‌ها، در عین حال که ویرانی و مرگ به همراه می‌آورند، بستری برای بروز عالیترین اشکال ایثار، امید و تلاش برای آزادی نیز هستند.» (کنفانی، ۱۳۶۱: ۲۱) به همین دلیل، آثاری که در این حوزه خلق میشوند نه تنها روایتگر تاریخ و حافظه جمعی‌اند، بلکه میتوانند به پرسشهایی بنیادین درباره ماهیت انسان، سرنوشت و آزادی نیز پاسخ دهند.

در ایران، جنگ هشت‌ساله با عراق تجربه‌ای منحصر به فرد بود که هزاران نوجوان و جوان را به صحنه آورد و خاطره‌ای فراموش‌نشده در حافظه ملی به جا گذاشت. «احمد دهقان، نویسنده و رزمنده نوجوان آن سالها، در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه توانست با زبانی صمیمی و صادقانه، روایتگر تجربه نسلی باشد که میان کودکی و جبهه در رفت‌وآمد بود.» (سیف و رستمی، ۱۴۰۲: ۷۳) این رمان به دلیل پیوند تنگاتنگ با تجربه شخصی نویسنده، نه تنها ارزش تاریخی دارد بلکه ابعاد روانی و انسانی جنگ را نیز برجسته می‌سازد. این روایت، برخلاف بسیاری از متون رسمی و شعاری، تصویری انسانی و عاطفی از مقاومت ارائه میدهد که عشق، ایمان و امید را در دل سخت‌ترین شرایط زندان و شکنجه بازتاب میدهد.

رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه از دل تجربه زیسته نویسنده برخاسته است. این امر موجب میشود روایت‌ها به دور از کلیشه‌های رایج، اصالتی ویژه یابند و به بازنمایی حقیقت نزدیکتر باشند. در این رمان، مقاومت نه به‌عنوان شعار، بلکه به‌مثابه تجربه‌ای انسانی و زیستی بازآفرینی میشود.

بیان مسأله

ادبیات جنگ و مقاومت از جمله ژانرهایی است که به دلیل پیوند مستقیم با حیات جمعی و تجربه‌های زیسته، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ جوامع معاصر یافته است. «این ادبیات نه تنها بستری برای بازنمایی حماسه‌ها و رویدادهای جنگی است؛ بلکه میتواند ظرفی برای بازاندیشی در مفاهیم بنیادین انسانی مانند عشق، امید، مرگ، آزادی و رهایی باشد.» (سنگری، ۱۳۷۷: ۱۶) در بسیاری از متون مربوط به جنگ، قهرمانان در هیئتی ایدئولوژیک یا افسانه‌ای بازنمایی میشوند و روایت از زیست واقعی انسان‌ها تهی میگردد. چنین رویکردی، در نهایت، جنگ را به سطحی کلیشه‌ای و تک‌بعدی تقلیل میدهد. در مقابل، اثری همچون «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان با تکیه بر تجربه زیسته و عینیت‌گرایی روایی، می‌کوشد مقاومت را از ورای لایه‌های شعاری و ایدئولوژیک، به‌مثابه تجربه‌ای انسانی، ملموس و چندبعدی بازآفرینی کنند.

اهمیت این موضوع زمانی برجسته‌تر میشود که بدانیم این رمان از دو بستر تاریخی و اجتماعی متفاوت برآمده‌اند. «دهقان در فضایی روایت میکند که نوجوانان ایرانی در جبهه‌های جنگ حضور مستقیم دارند و زندگی روزمره آنان با مرگ و انتخاب آمیخته است.» (یوسفی و احمدی ورزنه، ۱۳۹۱: ۱۳۴)

این رمان، در بستر زمانی و مکانی، در محور مشترکی یعنی انسانی‌سازی مقاومت و بازنمایی مبارز به‌مثابه انسانی زنده، عاشق و آسیب‌پذیر به یکدیگر میرسند. همین اشتراک و تفاوت، بستر مناسبی برای مطالعه‌ای تطبیقی و انتقادی فراهم می‌آورد.

ضرورت نظری این پژوهش از آنجاست که چارچوبهای سنتی نقد ادبی کمتر به تحلیل روان‌شناختی و اجتماعی مقاومت از منظر انسان‌گرایانه پرداخته‌اند. مکتب فرانکفورت با تأکید بر نقد فرهنگ سلطه، ایدئولوژی و سرکوب، و

اریک فروم با تبیین نیازهای بنیادی انسان (عشق، آزادی، امید و رشد شخصیت)، دو چارچوب مکمل برای این نوع بررسی فراهم میکنند. تحلیل این رمان با اتکا به چنین مبانی نظری، امکان فهم دقیق‌تر از این موضوع را فراهم می‌سازد که چگونه ادبیات مقاومت میتواند در برابر کلیشه‌های جنگ، به نقد سلطه و بازتولید ارزشهای انسانی بپردازد.

این پژوهش بر آن است که ادبیات مقاومت در آثار دهقان تجربه‌ای مشترک از رنج و امید را عرضه میکند. تحلیل این تجربه‌ها در چارچوب نظریه انتقادی و دیدگاه‌های انسان‌شناختی فروم، امکان آشکارسازی سازوکارهای انسانی‌سازی مقاومت را فراهم می‌آورد و در نهایت، نشان میدهد که ادبیات جنگ میتواند از مرزهای جغرافیایی و ایدئولوژیک فراتر رفته، به گفت‌وگویی جهانی درباره انسان، آزادی و امید بدل شود.

اهداف و پرسشهای پژوهش

اهداف پژوهش را می‌توان در دو سطح خلاصه کرد: نخست، شناسایی جلوه‌های نگاه انسانی به جنگ و مقاومت در رمان مورد مطالعه؛ دوم، تحلیل این جلوه‌ها بر اساس نظریه فروم و مکتب فرانکفورت؛ در همین راستا، پرسشهای اصلی عبارت‌اند از: چگونه شخصیت‌های رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه بازتاب‌دهنده تیپهای شخصیتی فروم‌اند؟ چه نسبتی میان دوگانگیهای بنیادین انسان در نظریه فروم (زندگی/مرگ، آزادی/وابستگی، تنهایی/اتحاد) و تجربه شخصیت‌های رمان وجود دارد؟ و در نهایت، چگونه مکتب فرانکفورت میتواند به نقد ابعاد فرهنگی و ایدئولوژیک جنگ و مقاومت در این اثر کمک کند؟

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه پژوهشهای گوناگونی انجام شده است، اما بررسی آن از منظر مؤلفه‌های مکتب فرانکفورت و اندیشه‌های اریک فروم به صورت مستقل صورت نگرفته است. مطالعات پیشین بیشتر بر جنبه‌هایی همچون بازتاب هویت جهادی در ادبیات دفاع مقدس (حاتمی‌نیا و یوسفی)، بررسی عنصر زمان در روایت بر اساس نظریه ژرار ژنت (قاسم‌زاده و همکاران) و تحلیل شخصیت‌پردازی زنان در رمانهای دفاع مقدس (یوسفی و ورزیه طاهره) متمرکز بوده‌اند. این پژوهشها هرچند در تبیین برخی ابعاد روایی و محتوایی اثر ارزشمندند، اما هنوز جای خالی تحلیلی انتقادی با تکیه بر نظریه‌های اجتماعی و روان‌شناختی معاصر به چشم می‌خورد. نوآوری اصلی این پژوهش در پیوند دادن چارچوب نظری (مکتب فرانکفورت + دیدگاه‌های روان‌شناختی اریک فروم) است که میتواند مکانیسمهای انسانی‌سازی جنگ و مقاومت را در سطحی بین‌المللی تحلیل و بازنمایی کند.

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش، چارچوب نظری بر مبنای دیدگاه‌های مکتب فرانکفورت استوار است؛ مکتبی که در قرن بیستم با هدف نقد جامع مدرنیته، عقلانیت ابزاری و سلطه‌های نوین شکل گرفت. «متفکرانی چون ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، هربرت مارکوزه و یورگن هابرماس با طرح نظریه «نقد فرهنگ» نشان دادند که نظامهای سلطه، تنها در عرصه سیاسی و اقتصادی عمل نمیکند، بلکه از رهگذر بازتولید فرهنگی، رسانه‌ای و هنری نیز تثبیت میشوند.» (آلپورت و چونز، ۱۳۷۱: ۹۶ و ۹۷) در این میان، ادبیات و هنر نه صرفاً ابزاری برای بازنمایی واقعیت، بلکه بستری برای مقاومت در برابر سلطه و تولید آگاهی انتقادی تلقی میشوند. (باتامور، ۱۳۷۰: ۷ و ۸) از این منظر، مطالعه رمانهای جنگی و مقاومت، میتواند نشان دهد که چگونه روایتهای ادبی از تجربه‌های فردی و جمعی به

بازاندیشی در باب آزادی، سرکوب و رهایی منجر میشوند. بنابراین، مکتب فرانکفورت با تأکید بر نقد ایدئولوژی و کشف روابط پنهان میان قدرت و فرهنگ، بنیان نظری مناسبی برای تحلیل رمان مورد بررسی در این پژوهش فراهم می‌آورد.

در دل این مکتب، اندیشه‌های اریک فروم جایگاهی ویژه دارند. «فروم با تکیه بر روانکاوی اجتماعی، پیوندی میان روانشناسی فردی و ساختارهای اجتماعی ایجاد میکند و بر این باور است که شخصیت انسان در بستر شرایط اجتماعی و تاریخی شکل میگیرد» (فیست و گریگوری ۱۳۹۰: ۴۳). اریک فروم روانشناسی را جدا از اصول اخلاقی نمیداند؛ از این رو منش و شخصیت انسان در زندگی را ترکیبی از جهت‌گیریهای غیربارور که شامل گیرنده، استثمار، بازاری و مال‌اندوز و جهت‌گیری بارور و خودانگیخته میداند. وی به گونه‌ای افراطی به ارزش و مقام انسان ارج مینهد، زیرا تحت تفکر اومانیزم به اصالت و محوریت انسان در زندگی معتقد است (قنبرعلی باغنی و او جاعلی‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۳۵). او در آثار خود، به‌ویژه در گریز از آزادی و انسان برای خویشتن، نشان میدهد که چگونه انسانها در برابر فشارهای سلطه‌گرانه یا شرایط بحرانی، به انواعی از سازوکارهای دفاعی، همسان‌سازی یا شورش روی می‌آورند (ر.ک: فروم، ۱۳۷۰: ۶۱-۶۳). مفاهیمی چون «ترس از آزادی»، «گریز به سوی وابستگی»، و در مقابل، «عشق و همبستگی» به‌عنوان نیروهای رهایی‌بخش، ابزارهای نظری مهمی هستند که در تبیین شخصیت‌های درگیر در جنگ و اسارت میتوان به کار گرفت. فروم در پی پایه‌ریزی جامعه برای بشریت بود که در آن، انسان به کشف مسیرهای تکامل و تعالی خویش در هستی پرداخته تا بتواند با جهت‌گیری درست بسوی هستی و کمال بشریت یعنی عشق گام بردارد (شایگان و دیگران، ۱۴۰۳: ۹۸).

رمانهای جنگی و مقاومت، عرصه‌ای غنی برای واکاوی این مفاهیم‌اند، زیرا شخصیت‌های آنها اغلب در شرایط حاد تهدید، اضطراب، تنهایی و نیاز به معنا دست به انتخاب‌های حیاتی می‌زنند. از این جهت، نظریه‌های فروم امکان میدهند تا پیوند میان روانشناسی شخصیت‌های داستانی و بسترهای اجتماعی جنگ و مقاومت آشکار گردد. ترکیب این دو مبنا - یعنی نقد ایدئولوژی در مکتب فرانکفورت و روانشناسی اجتماعی اریک فروم - زمینه‌ای نوین برای مطالعه رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» فراهم میکند. در پرتو این چارچوب، میتوان دریافت که این آثار صرفاً بازنمایی‌های روایی از تجربه جنگ نیستند، بلکه متونی انتقادی‌اند که امکانهای مقاومت فردی و جمعی را در برابر سلطه، خشونت و بی‌معنایی آشکار می‌سازند.

جلوه‌های نگاه انسانی به جنگ و مقاومت در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه

رمان به‌عنوان یکی از ژانرهای بنیادین ادبیات مدرن، همواره ظرفیتی گسترده برای بازتاب تجربه‌های جمعی و فردی انسانها داشته است. «هنگامی که این ژانر در بستر جنگ و مقاومت شکل میگیرد، به متنی چندلایه بدل میشود که در آن، نه تنها روایت وقایع بیرونی بلکه تبیین کشاکشهای درونی و روان‌شناختی شخصیت‌ها اهمیت می‌یابد» (کمره‌ای، ۱۳۷۹: ۵۶). رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» جلوه‌ای انسانی از جنگ و مقاومت ارائه میدهد که فراتر از روایت صرف وقایع نظامی و تاریخی است. احمد دهقان، با زبان دقیق و ساده، زندگی نوجوانان رزمنده را در جبهه به تصویر میکشد و نشان میدهد که جنگ تنها صحنه نبرد فیزیکی نیست، بلکه عرصه‌ای است برای مواجهه با ترس، امید، عشق و رنج‌های روانی. شخصیت‌های رمان، نه به‌عنوان قهرمانان ایدئولوژیک بلکه به‌عنوان انسانهایی با احساسات، آرزوها و آسیب‌پذیریهای واقعی، تجربه مقاومت را بازنمایی میکنند و خواننده را با جنبه‌های انسانی و جهان‌شمول جنگ مواجه می‌سازند.

یکی از جلوه‌های برجسته نگاه انسانی رمان، توجه به زندگی روزمره و جزئیات عاطفی شخصیت‌هاست. دهقان نشان می‌دهد که حتی در میان خشونت و مرگ، لحظاتی از شادی، دلتنگی برای خانواده و تحقق آرزوهای کوچک انسانی وجود دارد. این نگاه چندلایه، مقاومت را صرفاً به ایستادگی فیزیکی محدود نمی‌کند بلکه ترکیبی از عشق، وفاداری، همبستگی و اخلاق فردی را نیز در بر می‌گیرد. روایت چندصدایی نوجوانان، متنوع بودن تجربه‌های انسانی جنگ را به نمایش می‌گذارد و با نقد ساده‌انگاری و ایدئولوژیک‌سازی مقاومت، همسو با نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت است.

همچنین، رمان بر اهمیت تاب‌آوری، امید و رشد روانی شخصیت‌ها تأکید دارد و نشان می‌دهد که مقاومت نه تنها یک عمل اجتماعی یا سیاسی، بلکه تجربه‌ای انسانی با وجوه روان‌شناختی و اخلاقی است. مرگ، زندگی روزمره، خانواده و آرزوهای کوچک در کنار تجربه جبهه قرار می‌گیرد و فشارهای روانی با عشق، ایمان و امید درهم می‌آمیزد. بدین ترتیب، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» جنگ را به بستری برای بازاندیشی در مفاهیم بنیادین انسانی چون انسانیت، آزادی و اخلاق فردی تبدیل می‌کند و ادبیات مقاومت را به سطحی فراتر از روایت تاریخی و ایدئولوژیک ارتقا می‌دهد.

در ادامه، جلوه‌های نگاه انسانی به جنگ و مقاومت در این رمان بر مبنای مکتب فرانکفورت و دیدگاه اریک فروم، بررسی و تبیین می‌شود:

بازنمایی مفهوم مقاومت در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

احمد دهقان در این رمان با تکیه بر تجربه زیسته خویش از جبهه، مقاومت را نه در قالب شعاری و کلیشه‌ای، بلکه در بستر زیست روزمره رزمندگان بازنمایی می‌کند. «فضای جبهه در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» مملو از صحنه‌هایی است که در آن ترس، مرگ، رفاقت، ایثار، و حتی لحظه‌های طنز در کنار هم جریان دارند. نویسنده با زبان ساده و رئالیستی، چهره انسانی رزمندگان نوجوان را به تصویر میکشد؛ کسانی که در میان دغدغه‌های نوجوانی و درس و مدرسه، ناگهان در میدان مرگ و زندگی قرار گرفته‌اند.» (پارسی نژاد، ۱۳۸۴: ۷۸) مقاومت در این روایت، نه به‌عنوان نماد صرف ایدئولوژی، بلکه به‌عنوان تجربه‌ای انسانی و ملموس بازنمایی شده است.

«... و لحظه‌ای چشمم می‌افتد به جنازه‌هایی که روهم چیده شده‌اند. خون از پشت ماشین رو زمین شره می‌کند و خط قرمزی جاده را از وسط نصف می‌کند. تو دست‌انداز می‌افتد جنازه‌ای از کنار ماشین آویزان می‌شود...» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۲۴)

این توصیف خشن و بی‌پرده از جنگ، نشان می‌دهد که مقاومت برای رزمندگان نوجوان تنها به معنای رویارویی با دشمن مسلح نیست، بلکه نخستین مواجهه با مرگ، خون و بدن‌های بی‌جان هم‌زمان است. دهقان با آوردن جزئیات عینی، مرگ را از حالت انتزاعی خارج کرده و آن را به تجربه‌ای حسی و ملموس بدل می‌کند. از منظر مکتب فرانکفورت، این بازنمایی نوعی نقد بر فرهنگ رسمی و روایت‌های تبلیغاتی است؛ چرا که جنگ را نه باشکوه، بلکه تراژیک و مملو از خشونت بی‌رحمانه نشان می‌دهد.

از دیدگاه فروم نیز این صحنه بیانگر بحران «عشق به زندگی» در برابر «گرایش به مرگ» است. رزمنده نوجوان در برابر جنازه‌ها احساس تهوع می‌کند، اما همین مواجهه او را به آگاهی تازه‌ای از معنای مقاومت می‌رساند. او درمی‌یابد که ایستادگی صرفاً انتخابی ایدئولوژیک نیست، بلکه واکنشی انسانی در برابر تجربه‌های عریان از نابودی است. بنابراین، مقاومت در اینجا با اضطراب، ترس و در عین حال پایداری در کنار یکدیگر معنا می‌یابد.

در بخش دیگری تغییر شخصیت رسول به تصویر کشیده میشود:

«رسول جست‌وخیزکنان و هیجان‌زده می‌گوید: داریم میریم... خیلی خوب شد! آرزوم بود برم عملیات... من شما رو ول نمیکنم. تا آخرش با هم هستیم...» (دهقان، ۱۳۷۵: ۹۸)

رسول که نوجوانی کمتر از شانزده سال است، با شوری کودکانه وارد جبهه میشود. در آغاز، مقاومت برای او بیشتر شبیه ماجرای هیجان‌انگیز و فرصتی برای تجربه‌ای متفاوت است. این بازنمایی، همان وجه انسانی و غیرایدئولوژیک مقاومت را برجسته میکند: شور کودکانه، معصومیت و عطش تجربه. اما همین حضور، به تدریج او را وارد فرآیند بلوغی زودرس می‌سازد که در میدان جنگ رقم می‌خورد. دهقان در این شخصیت نشان میدهد که مقاومت در میدان جنگ، پیوندی عمیق با تحول روانی و شخصیتی دارد.

بر مبنای دیدگاه فروم، رسول در ابتدا نماینده «شخصیت گیرنده» است؛ نوجوانی بی‌تجربه که مقاومت را بیشتر در سطحی احساسی و هیجانی می‌فهمد. اما در ادامه، با مشاهده خشونت و مرگ، دچار تحول درونی میشود و به سمت شخصیتی «پویاتر» حرکت میکند؛ کسی که از ترس و معصومیت به سوی آگاهی و پذیرش واقعیت جنگ می‌رود. این تغییر بیانگر فرآیند «انسانی‌شدن مقاومت» است: از بازی و شور کودکانه تا تجربه تلخ، اما رشددهنده مرگ و بقا. دهقان بدین ترتیب نشان میدهد که مقاومت، در نهایت، تجربه‌ای وجودی است که شخصیتها را از درون دگرگون میکند.

از منظر فروم، این صحنه بیانگر «عشق به زندگی» در برابر شرایط مرگبار است. شخصیتها با انتخاب آگاهانه ماندن و ادامه مبارزه، نشان میدهند که زندگی حقیقی در ایستادگی و معنا یافتن رنج است. تونل در اینجا نمادی است از ناخودآگاه جمعی ملتی که در دل تاریکی، چراغ مقاومت را روشن نگه میدارند. این توصیف یادآور تیپ «انسان بارور» در نظریه فروم است؛ انسانی که در هر شرایطی، حتی در دل محرومیت، توانایی خلق معنا و امید دارد. اندیشمندان مکتب فرانکفورت، اخلاق را به معنای آزادی میدانند و از دیدگاه آنان انسان آراسته به زیور اخلاق، انسانی است که برده قدرتهای درونی یا بیرونی نباشد و هر کدام از اندیشمندان راه تحقق اخلاق را در ابزاری خاص تعریف میکنند (اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶). مقاومت روایت دهقان، در «فرهنگ زندگی» ریشه دارد: پرورش فرزندی که با ایمان و عشق به وطن، آماده مبارزه میشوند. بدین ترتیب، خانواده به سنگر نخستین مقاومت بدل میشود. از نگاه مکتب فرانکفورت، این توصیف نوعی بازتعریف مقاومت است که آن را از حیطه صرفاً نظامی خارج کرده و در متن زندگی روزمره بازنمایی میکند.

تحلیل روان‌شناختی شخصیتها بر اساس دیدگاه اریک فروم

ادبیات مقاومت علاوه بر بازنمایی رخدادهای تاریخی و اجتماعی، بستری برای واکاوی لایه‌های روانی شخصیتها نیز فراهم می‌آورد. (ر.ک: شکری، ۱۳۶۶: ۷) در این میان، نظریه‌های اریک فروم جایگاهی ویژه دارند؛ زیرا او با طرح مفهوم «گریز از آزادی» و در مقابل «طلب آزادی»، کوشید تا سازوکارهای روانی انسان در شرایط فشار، سلطه و بحران را توضیح دهد. اریک فروم در نظریه‌ی روانشناسی اجتماعی خود، به‌ویژه در کتاب «گریز از آزادی»، نشان میدهد که «انسان در شرایط مرزی — مانند جنگ، اسارت یا بحرانهای اجتماعی — با دو گرایش بنیادین مواجه میشود: نخست، تسلیم در برابر فشارها و فرار از مسئولیت آزادی؛ دوم، تلاش برای تحقق آزادی از رهگذر عشق، ایمان و همبستگی انسانی.» (ر.ک: فروم، ۱۳۷۹: ۴۲) بررسی شخصیتهای رمان مورد مطالعه در پرتو این دیدگاه،

امکان فهم عمیق‌تری از تضادهای درونی آنان و شیوه‌های مواجهه‌اش با ترس، مرگ و مسئولیت انسانی را فراهم میسازد.

در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، ناصر و مواجهه با مرگ رزمنده‌ها چنین می‌گوید:

«آن‌قدر مجروح آورده‌اند که دیگر کنج‌کاو نیستیم ببینیم چه شده‌اند و کجایشان تیر یا ترکش خورده...» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۳۱)

ناصر در این صحنه بی‌تفاوتی ظاهری از خود نشان می‌دهد؛ بی‌تفاوتی‌ای که می‌تواند به‌عنوان نوعی «گریز از آزادی» تعبیر شود. او برای فرار از بار روانی مسئولیت و رنج، احساساتش را سرکوب می‌کند و خود را در برابر مرگ بی‌حس می‌سازد. اما همین بی‌تفاوتی، در عمق خود، مکانیسمی دفاعی است که نشان می‌دهد او نمی‌خواهد در برابر حقیقت تلخ مرگ هم‌زمان تسلیم شود. از نگاه فروم، این حالت نمایانگر تضاد میان «اجتناب از اضطراب آزادی» و در عین حال «تلاش برای تداوم زیست» است.

در بخش دیگری، رسول و دگرگونی در میدان نبرد به تصویر کشیده می‌شود:

«رسول آرام حرف می‌زند و آثاری از آن هیجان و تکان دادن دست‌ها در او نمی‌بینم...» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۹۵)

رسول که در ابتدا پرشور و کودکانه به جنگ نگاه میکرد، پس از مواجهه با واقعیت تلخ نبرد، دچار دگرگونی می‌شود. او از «هیجان کودکانه» به سمت «سکوت و درون‌گرایی» حرکت می‌کند. این تغییر بیانگر گذار از گریز سطحی به سوی درک عمیق‌تری از آزادی است؛ آزادی‌ای که در پذیرش مسئولیت و آگاهی نسبت به مرگ و زندگی حاصل می‌شود. از دیدگاه فروم، او نمونه‌ای از شخصیتی است که از دام «فرار از آزادی» بیرون آمده و در دل رنج، به سوی بلوغ روانی و انتخاب آگاهانه حرکت می‌کند.

تردیدی نیست که مبانی و زیرساختهای علوم انسانی در زندگی نظری و عملی انسان تأثیر به‌سزایی دارند، چرا که نوع نگاه محقق به انسان، مسائل زیادی را از قبیل موضوع، روش و کاربرد در علوم انسانی معین می‌کند و از سوی دیگر، رفتارها، اعتقادات و حتی احساسات افراد بر این اساس شکل گرفته و تقویت می‌شود (مصباح و محیطی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). بر اساس تحلیلهای فرومی، شخصیت‌های رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» در دل شرایط مرزی (جنگ و زندان) میان دو قطب «گریز از آزادی» و «طلب آزادی» در نوسان‌اند. برخی همچون ناصر، با سرکوب احساسات، از بار آزادی می‌گریزند؛ در حالی که شخصیت‌هایی مانند رسول با پذیرش رنج و تکیه بر ایمان و عشق، به آزادی اصیل دست می‌یابند. بدینسان، ادبیات مقاومت در این اثر، تصویری روان‌شناختی از انسان‌هایی ارائه می‌دهد که در دل خشونت و فشار، راهی برای تحقق «آزادی درونی» می‌یابند.

نقد ایدئولوژی و سلطه بر اساس مکتب فرانکفورت

از منظر مکتب فرانکفورت، جنگ و اسارت نه رویدادی طبیعی، بلکه نتیجه‌ی بازتولید روابط سلطه، ایدئولوژیهای مسلط و ساختارهای قدرت است. این نگاه بدر رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» قابل ردیابی است؛ جایی که نویسنده با بهره‌گیری از زبان روایی و تجربه زیسته، در پس توصیف وقایع، دست به افشای سازوکارهای سلطه می‌زنند. جنگ در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» محصول تجاوز دشمن و بی‌عدالتی ساختاری است که نوجوانان و خانواده‌های عادی را به جبهه میکشاند. نویسنده با خلق روایت‌هایی انسانی، ایدئولوژیهای مسلط را به چالش میکشند و از خلال رنج شخصیت‌ها، نقدی بنیادین بر مناسبات قدرت ارائه می‌دهند:

«بی‌دفاع لبه ماشین را گرفته‌ایم و نشسته‌ایم. فقط اگر خمپاره‌ای نزدیکمان بترکد سرمان را خم می‌کنیم...» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۲۵)

این صحنه تصویری روشن از نابرابری قدرت در میدان جنگ است. رزمندگان نوجوان و بی‌تجهیزات در برابر ماشین جنگی عظیم دشمن قرار گرفته‌اند؛ وضعیتی که سلطه ساختار سیاسی و نظامی متجاوز را عریان می‌کند. دهقان با نشان دادن ضعف امکانات خودی و بی‌دفاعی رزمندگان، نقدی ضمنی به نظامهای قدرت جهانی و بی‌تفاوتی آنان نسبت به عدالت ارائه می‌دهد. از نگاه فرانکفورتی، این تصویر بازتاب همان «عقلانیت ابزاری» است که در جنگ به سلطه‌ی تکنولوژیک و نظامی بدل می‌شود و انسان را به ابزار مصرفی بدل می‌سازد.

در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، نقد سلطه تنها محدود به میدان نبرد و نابرابری قدرت نظامی نمی‌ماند؛ بلکه دهقان با ظرافت، سازوکارهای سلطه فرهنگی و روانی را نیز به تصویر می‌کشد. او نشان می‌دهد که رسانه‌ها و تبلیغات جنگی نه صرفاً خبررسانی می‌کنند، بلکه ابزارهایی برای تحمیل ایدئولوژی رسمی و شکل‌دهی به تجربه انسانی جنگ هستند. این نکته با یک نمونه روشن در رمان قابل مشاهده است:

«می‌آید سر سفره اخبار تلویزیون تمام می‌شود و باز اطلاعیه اعزام به جبهه پخش می‌شود و همان عکسها و همان تصویرها پدر تکه نانی پاره می‌کند می‌گذارد تو دهان» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۴).

در این صحنه، تلویزیون مرتب صحنه‌های نبرد، پرچم‌ها، ستون‌های بسیجی و دستمال‌های سفید تسلیم سربازان عراقی را نمایش می‌دهد؛ تصاویری که به‌ظاهر بی‌طرفانه‌اند اما حامل کدهای ایدئولوژیک و تثبیت‌کننده قدرت رسمی هستند.

تحلیل این نمونه نشان می‌دهد که دهقان، با تمرکز بر زندگی روزمره و تجربه انسانی خانواده‌ها و نوجوانان، فاصله میان قدرت و انسان را برجسته می‌کند. صحنه خوردن نان در کنار پخش تصاویر تلویزیونی، تضادی آشکار میان زندگی واقعی و پیام‌های سلطه‌گرایانه ایجاد می‌کند و مقاومت را در سطح روانی و فرهنگی آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، تجربه واقعی جنگ و رنج انسانها در حاشیه سلطه رسانه‌ای و ایدئولوژیک حفظ می‌شود و خواننده با مقاومت انسانی و حفظ انسانیت در برابر پیامهای قدرت مواجه می‌شود.

از این منظر، رمان در امتداد سنت انتقادی مکتب فرانکفورت قرار می‌گیرد؛ سنتی که به جای تمرکز صرف بر جنگ، به نقد سازوکارهای سلطه و بازتولید قدرت در پس آن می‌پردازد. مقاومت واقعی در این روایت نه تنها مقابله با دشمن نظامی بلکه حفظ خوی انسانی، مقاومت در برابر تحمیل ایدئولوژی رسمی و تجربه انسانی جنگ است؛ تجربه‌ای که هم در سطح روزمره زندگی و هم در سطح روایت و بازنمایی روان‌شناختی شخصیتها جریان دارد و اهمیت پایداری اخلاقی و روانی انسان را در بستر جنگ برجسته می‌سازد.

رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» با محتوای (جنگ ایران و عراق) و زمینه‌های سیاسی، در سطح محتوایی و روایی و از منظر نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت و روانشناسی اجتماعی فروم، به نقد سلطه و ایدئولوژیهای حاکم پرداخته و در عین حال، به بازنمایی انسان مقاوم در شرایط مرزی می‌پردازد:

«گردانی که می‌گریزد و سایه مرگی که دنبالان کرده و از ته ستون یکی‌یکیمان را می‌قاپد و ما که سگ‌دو می‌زنیم تا آخرین نفر نباشیم.» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۹۲)

در این اثر، مقاومت نه امری فردی بلکه جمعی است. در روایت دهقان، حتی در لحظه‌های عقب‌نشینی و شکست، حس «ما» غالب است و نجات فردی تنها در پیوند با جمع معنا می‌یابد. از نگاه فروم، این همبستگی پاسخی به «گریز از آزادی» است: افراد با پیوند در جمع، از تنهایی رهایی یافته و آزادی مثبت (بر مبنای عشق و همبستگی)

را تجربه میکنند. از منظر فرانکفورتی نیز این صحنه‌ها افشاگر سلطه‌ای هستند که میکوشد جمع را فروپاشد، اما در نهایت همبستگی انسانی آن را درهم می‌شکند.

تقابل میان آزادی و اسارت نه فقط در عرصه فیزیکی، بلکه در عرصه روانی و اجتماعی مطرح میشود. ناصر پس از بازگشت از جبهه درمی‌یابد که جامعه شهری به او و هم‌زمانش بی‌اعتناست؛ نوعی اسارت اجتماعی که مقاومت و فداکاری را به حاشیه می‌راند. از نگاه مکتب فرانکفورت این اثر نقدی بر «ایدئولوژی رسمی» است: ایدئولوژی‌ای که میکوشد جنگ یا زندان را طبیعی جلوه دهد و مقاومت را بی‌اثر سازد.

در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» روایت اول‌شخص ناصر، با زبان ساده و جزئیات رئالیستی، فضایی حادثه‌محور و ملموس می‌آفریند. جنگ از دید نوجوانی روایت میشود که نه قهرمانی اسطوره‌ای، بلکه انسانی معمولی است. در این اثر زاویه دید، در خدمت نقد سلطه و بازنمایی مقاومت انسانی است. در چارچوب مکتب فرانکفورت، این انتخاب‌های روایی راهی برای افشای «ایدئولوژی رسمی» است: دهقان با صدای نوجوان، جنگ را از سطح شعارهای حماسی به سطح تجربه انسانی فرو میکاهد.

فضاسازی در ادبیات مقاومت تنها توصیف مکان نیست، بلکه بازنمایی سازوکارهای سلطه و قدرت است. اردوگاه، میدان نبرد یا زندان در این رمان‌ها به ابزار کنترل و انقیاد بدل میشوند، اما همزمان میتوانند به صحنه‌ای برای مقاومت و خلق معنا نیز تبدیل گردند. از این‌رو، تحلیل فضا در واقع بررسی نسبت میان قدرت و مقاومت در متن است:

«وقتی در شکافی پناه گرفته‌اند... همه مثل اعدامیه‌ها، آسمان را میکاوند و حیران و سرگردان هستند.» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۱۲)

دهقان فضای جبهه را چونان صحنه اعدام به تصویر میکشد؛ جایی که سلطه دشمن و بی‌رحمی جنگ انسان را تا مرز نابودی پیش میبرد. این نوع فضاسازی، دو روی یک سکه‌اند: نقد سلطه از منظر قربانی و از منظر مقاومت فعال.

جهان‌شمولی ادبیات مقاومت و پیامهای انسانی

رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» با بازنمایی تجربه‌های ملموس جنگ ایران و عراق، نشان میدهد که زندگی روزمره و انتخاب‌های انسانی در شرایط سخت میتواند پیامهایی جهان‌شمول درباره کرامت، امید و عشق منتقل کند. در نمونه نخست، صحنه خوردن خرما توسط نوجوانان رزمنده، اگرچه ساده و روزمره به نظر میرسد، بیانگر یک تجربه انسانی عمیق است:

«کیسه پلاستیکی خرما را می‌آورد و بی‌هیچ صحبتی مشغول خوردن میشویم تا آن‌جا که دلمان را میزند. حالا احساس سرحالی میکنم میپرسم از کجا آوردی شون؟ می‌گوید مالا اوناییه که اون تیربار زده شون هنوز همون‌جا افتادن... دیگر برایم فرقی نمیکند که مال چه کسی بوده.» (دهقان، ۱۳۷۵: ۱۶۹)

این روایت، ترکیبی از زندگی روزمره، تجربه خشونت و مواجهه با مرگ را به تصویر میکشد و نشان میدهد که انسان در جنگ، همچنان ظرفیت همدلی، سازگاری و حفظ کرامت را دارد. تجربه‌ای که اگرچه از متن یک جنگ خاص نشأت گرفته، پیام آن برای فهم مبارزه انسانی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و تاریخی است. این نمونه نشان میدهد که ادبیات مقاومت، حتی زمانی که بر رویدادهای ملی و تاریخی متمرکز است، میتواند تجربه انسانی را برجسته کند و ارزشهای مشترک بشر همچون امید، عشق، کرامت و آزادی را به تصویر بکشد. دهقان با بازنمایی

دقیق و ملموس جزئیات جنگ و زندگی روزمره رزمندگان، نه تنها مخاطب ایرانی بلکه مخاطب جهانی را با پرسشهای انسانی مواجه میکند و این همان وجه جهان‌شمولی و پیام انسانی ادبیات مقاومت است. در این رمان شاهد پیوستگی عشق، خانواده و مقاومت هستیم:

«راننده لوطی که لحنی داش‌مشتی دارد و بار اول ناصر او را در اردوگاه میببند: در چهره‌اش دقیق میشوم؛ صورتی خشکیده دارد، یقه پیراهن خاکی‌رنگش باز است و موهای وزوزی سینه‌اش زده بیرون... پشت دستش بین انگشت شست و اشاره‌اش چیزی خالکوبی شده: دوستت دارم مادر.» (دهقان، ۱۳۷۵: ۳۸)

در روایت فوق، خالکوبی «دوستت دارم مادر» بر دست یک راننده ساده، پیوند میان عاطفه و زندگی روزمره با فضای جنگی را نمایان می‌سازد؛ نشانه‌ای کوچک از اینکه حتی در دل نبرد، ریشه‌های عاطفی انسان از مادر و خانواده گسسته نمیشود. شخصیت‌های این رمان با اتکا به رابطه با خانواده، دوستان یا هم‌رزمان، معنایی تازه برای رنج و اسارت می‌آفرینند و از دل این پیوندها توان ادامه مبارزه را می‌یابند. بدینگونه، عشق نه گریزی از واقعیت سخت، بلکه نیرویی فعال در برابر سلطه و مرگ است. در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» رسول، نوجوانی است که مقاومت را از رهگذر پیوند عاطفی با هم‌رزمان تجربه میکند. او کودکانه اعلام میکند که «تا آخرش با هم هستیم»، و این همبستگی، نیروی اصلی او برای ماندن است:

«رسول جست‌وخیزکنان و هیجان‌زده می‌گوید: داریم میریم... خیلی خوب شد! آرزوم بود برم عملیات... من شما رو ول نمیکنم. تا آخرش با هم هستیم.» (دهقان، ۱۳۷۵: ۹۸)

این نمونه‌ها نشان میدهند که عشق - چه به دوستان در میدان نبرد و چه به خانواده در پشت جبهه - سرچشمه مقاومت است. این پیام، جهانی و فراملی است: مقاومت بدون عشق، صرفاً خشونت است؛ اما وقتی با عشق به انسان و زندگی همراه شود، معنایی انسانی و رهایی‌بخش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان میدهد که رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» تجربه جنگ ایران و عراق را نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از رخدادها، نظامی، بلکه به‌عنوان بستر بازنمایی تجربه‌های انسانی و روان‌شناختی ارائه میکند. در تحلیل بر اساس دیدگاه اریک فروم، شخصیت‌های نوجوان رزمنده با تعارض میان «گریز از آزادی» و «طلب آزادی» مواجه‌اند؛ آنها از یک سو در برابر محدودیتها و سلطه جنگی احساس اضطراب و سرخوردگی میکنند و از سوی دیگر با تکیه بر عشق، همبستگی و ایمان، مسیر خودآگاهی و رشد روانی را طی میکنند. این فرآیند نشان میدهد که مقاومت در رمان دهقان نه صرفاً واکنشی بیرونی، بلکه فرآیندی درونی و وجودی است که به بازسازی هویت فردی و توان انسانی شخصیتها منجر میشود.

از منظر مکتب فرانکفورت، رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نشان میدهد که جنگ و قدرت سلطه‌گر تنها محدود به میدان نبرد نیستند؛ بلکه رسانه‌ها، تبلیغات و ایدئولوژی رسمی، تلاش میکنند تا تجربه انسانی را تحت تأثیر قرار دهند و سلطه را بازتولید کنند. دهقان با تمرکز بر زندگی روزمره نوجوانان و بازنمایی جزئیات انسانی-همچون دلتنگی، امید، عشق، خستگی و لحظات ساده زندگی-این سلطه را به چالش میکشد و مقاومت را به سطحی انسانی و روان‌شناختی ارتقا میدهد. این رویکرد، جنگ را از رخدادی صرفاً تاریخی به تجربه‌ای جهان‌شمول تبدیل میکند که بر ارزش‌های انسانی همچون کرامت، آزادی و تاب‌آوری تأکید دارد.

در مجموع، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نشان میدهد که ادبیات مقاومت میتواند از بازنمایی صرف حوادث ملی فراتر رفته و به گفتمانی انسانی و جهان‌شمول درباره آزادی، کرامت، عشق و نقد سلطه تبدیل شود. مرگ، رنج و

فشارهای روانی شخصیتها نه به عنوان پایان بلکه به عنوان زمینه‌ای برای رشد، معنا و خودآگاهی تصویر میشوند و این امر ظرفیت پنهان ادبیات مقاومت را برای ارائه زبان مشترک‌رهایی و انسانیت آشکار می‌سازد؛ زبانی که میتواند افقهای تازه‌ای برای مطالعات ادبی، اجتماعی و روان‌شناختی بگشاید.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فرشته ناصری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای موسی قلیزاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر رضایه زواریان به عنوان استاد مشاور در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

از سردبیر محترم و هیئت تحریریه گرامی نشریه بهار ادب برای راهنماییهای ارزشمندشان در ارتقای کیفیت و تکمیل مقاله سپاسگزاریم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Esfahani, Maryam; Mahrozadeh, Tayyebah and Beheshti, Saeed. (2021). An analysis of the concept of ethics in the Frankfurt School (review article). *Ethics in Science and Technology*, 16(1), 16-21.
- Allport, Gordon W.; Chuns, Edward A. (1992). *Social Psychology from the Beginning to the Present*. Translated by Mohammad Taqi Monshi Tusi, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Batamour, Tom. (1991). *The Frankfurt School*. Translated by Hossein Ali Nozari, Tehran: Ney.
- Parsinejad, Kamran. (2005). *We had a war, we had a story*. Tehran: Sarir.
- Sangari, Mohammad Reza. (1998). "The Literature of Persistence (Resistance)". *Research Letter (Special for Sacred Defense)*, First Edition, Year 3, No. 9. Tehran: Center for Fundamental Research.
- Seif, Abdolreza and Rostami, Mohammad Rasoul. (2023). Comparative study of cohesion factors in two books "Travel to 270 Degrees" and "Dealdadgi". *Persian Literature*, 13(2), 69-93.
- Shaygan, Saghar; Pajoosh, Parnoosh and Ojaq Alizadeh, Shahin. (2024). Study of the components of personality development and transcendent personality in the system of the military figure based on Eric Fromm's theory. *Scientific monthly of*

- Persian poetry and prose style (Bahar Adab). Year 18, No. 4, July 1404, consecutive number 110.
- Shokri, Ghali. (1987). Literature of resistance. Translated by Dr. Mohammad Hossein Rouhani, Tehran: Nahr-e-No.
- Fromm, Eric. (1991). Man for himself. Translated by Akbar Tabrizi, Tehran: Nahr-e-Bahjat.
- Fromm, Eric. (2000). Escape from freedom. Translated by Ezzatollah Foadvand, Tehran: Nahr-e-Morvarid.
- Feist, Jess and J. Feist, Gregory. (2011). Theories of Personality. Translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran: Nashr-e-Ravan.
- Ghanbarali Baghni, Zahra and Ojaqalizadeh, Shahin. (2022). The Sublimation of Human Personality in Simin Behbahani's Poems Based on Erich Fromm's Theory. Literary Textual Studies (Persian Language and Literature), 26(91), 235-261.
- Kamrei, Alireza. (2000). Literature of Resistance in the Future Horizon. Book of Literature and Philosophy Month, Tehran, No. 36.
- Kanafani, Ghassan. (1982). Literature of Resistance in Occupied Palestine. Translated by Musa Asvar, Tehran: Soroush Publications.
- Mesbah, Ali and Moghihi Ardakan, Mohammad Ali. (2011). A Study of the Anthropological Foundations of Erich Fromm's Views. Philosophical Knowledge, 8(3 (31st Issue), 195-226.
- Yousefi, Mohammadreza and Ahmadi Varzaneh, Tahereh. (2012). Critique and analysis of the reflection of the theme of war in the novel "Journey to the 270 Degrees", winner of the Twenty Years of Sacred Defense Fiction Writing Award. Literary Research Conference.

فهرست منابع فارسی

- اصفهانی، مریم؛ ماهروزاده، طیبیه و بهشتی، سعید. (۱۴۰۰). تحلیلی بر مفهوم اخلاق در مکتب فرانکفورت (مقاله مروری). اخلاق در علوم و فناوری، ۱۶(۱)، ۱۶-۲۱.
- آلپورت، گوردن دبلیو؛ چونز، ادوارد ای. (۱۳۷۱). روانشناسی اجتماعی از آغاز تا کنون. ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- باتامور، تام. (۱۳۷۰). مکتب فرانکفورت. ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: نی.
- پارسی‌نژاد، کامران. (۱۳۸۴). جنگی داشتیم، داستانی داشتیم. تهران: صریح.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۷۷). «ادبیات پایداری (مقاومت)». نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)، چاپ اول، سال سوم، شماره ۹. تهران: مرکز پژوهشهای بنیادی.
- سیف، عبدالرضا و رستمی، محمدرسلول. (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «دل‌دادگی». ادب فارسی، ۱۳(۲)، ۶۹-۹۳.
- شایگان، ساغر؛ پژوهش، پرنوش و اوجاق علیزاده، شهین. (۱۴۰۳). بررسی مؤلفه‌های رشد شخصیت و شخصیت متعالی در منظومه هفت پیکر نظامی بر مبنای نظریه اریک فروم. ماهنامه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ۱۸، شماره ۴، تیر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۰.
- شکری، غالی. (۱۳۶۶). ادب مقاومت. ترجمه‌ی دکتر محمدحسین روحانی، تهران: نشر نو.

فروم، اریک. (۱۳۷۰). انسان برای خویشتن. ترجمه اکبر تبریزی، تهران: نشر بهجت.

فروم، اریک. (۱۳۷۹). گریز از آزادی. ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران: نشر مروارید.

فیست، جس و جی. فیست، گریگوری. (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.

قنبرعلی باغنی، زهرا و اوجاقلی‌زاده، شهین. (۱۴۰۱). تعالی شخصیت انسان در اشعار سیمین بهبهانی بر پایه نظریه اریک فروم. متن پژوهی ادبی (زبان و ادب پارسی)، ۲۶(۹۱)، ۲۶۱-۲۳۵.

کمره‌ای، علیرضا. (۱۳۷۹). ادب مقاومت در افق آینده. کتاب ماه ادبیات و فلسفه، تهران، شماره ۳۶.

کنفانی، غسان. (۱۳۶۱). ادبیات مقاومت در فلسطین اشغال شده. ترجمه موسی اسوار، تهران: انتشارات سروش.

مصباح، علی و محیطی اردکان، محمدعلی. (۱۳۹۰). بررسی مبانی انسان‌شناختی دیدگاه‌های اریک فروم. معرفت فلسفی، ۸(۳۱) (پیاپی)، ۲۲۶-۱۹۵.

یوسفی، محمدرضا و احمدی ورزنه، طاهره. (۱۳۹۱). نقد و تحلیل بازتاب موضوع جنگ در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» برنده جایزه بیست سال داستان‌نویسی دفاع مقدس. همایش پژوهشهای ادبی.

معرفی نویسندگان

موسی قلیزاده: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.
(Email: mousa.gholizadeh@iau.ir)
(ORCID: 0009-0007-0907-4179)

فرشته ناصری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.
(Email: Naseri1033@ausr.ac.ir (نویسنده مسئول))
(ORCID: 0000-0001-8170-6870)

راضیه زواریان: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.
(Email: raziezavarian52@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-4446-7329)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mousa Gholizadeh: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: mousa.gholizadeh@iau.ir)
(ORCID: 0009-0007-0907-4179)

Freshteh Naseri: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: Naseri1033@ausr.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-8170-6870)

Razieh Zavarian: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: raziezavarian52@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-4446-7329)